نیم‌نگاه

قفل یعنی که کلیدی هم هست

■ در اردوگاه قلندیه در نزدیکی بیت‌المقدس شرقی که پناهندگان فلسطینی در آن اسکان دارند، مجموعه‌ای از فعالان جوان مشغول ساخت ده‌ها کلید چوبی هستند. روی هر یک از این کلیدها نام روستایی یا شهری که فلسطینی‌ها از آنجا آواره شده‌اند نقش می‌شود. هدف از این کار، حمل آنها در تظاهرات و ارایه سمبولیک آن به‌عنوان نشانه‌ای بر حق بازگشت فلسطینی‌هاست. رائد حمدان یکی از کسانی که نقش راهنما را در این کار برای سایرین بازی می‌کند و در همین اردوگاه زندگی می‌کند، می‌گوید: کلید یک شاهد زنده بر حق بازگشت فلسطینی‌هاست و می‌خواهد، بگوید آنها هنوز کلید خانه‌های‌شان را در دست دارند. این کلیدها شکل سلاح دارند تا به گفته او «فراموش نکنند راه رسیدن به روستاها و خانه‌های‌شان همان مقاومت است.» منیر یعقوب (۱۷ ساله) یکی از جوانانی که در حال نوشتن نام روستای برفیلیا از استان اللد روی یکی از کلیدهاست، می‌گوید: ما از کوچک و بزرگ هرگز مصیبتی را که بر سرمان آمده فراموش نمی‌کنیم. این مصیبت را نسل به نسل منتقل می‌کنیم تا روزی به خانه خود بازگردیم. وی در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: اگر فراموش کنیم همه چیز را از دست خواهیم داد. صدیقه رشام (۲۰ ساله) از روستای دنیان در رمله است که می‌گوید: کلید، ما را به یاد سرزمین‌مان می‌اندازد. سرزمینی که یهودیان آن را دزدیده‌اند و اجدادمان از زندگی و کارشان در مزرعه،

برایمان از آنجا گفته‌اند. من براساس گفته‌های آنها حتی شکل خانه خودمان و درهای آن را در ذهنم مجسم می‌کنم. او می‌گوید: هیچ چیز سخت‌تر از این نیست که انسان دور از خانه‌اش در یک اردوگاه پرجمعیت زندگی کند و حال آنکه ببیند اشغالگران در روستا و خانه او ساکن هستند. در سمت دیگر این اردوگاه حاج شاهر اسماعیل (۷۱ ساله) نشسته است و شعرهایی را می‌خواند که سال‌ها پیش سروده و اکنون آنها را مرور می‌کند:

مرا از کشورم بدون هیچ دلیلی یا گناهی آواره کردند
گفتند: برو و برنگرد...
خانه‌ات دیگر خراب شده است.
گفتم: کلیدش با من است، اینکه دیگر کاری ندارد.
آن را با قلبم محافظت می‌کنم.
بازگشت نزدیک خواهد بود.

منبع: الجزیره

عکس: AP

اوباما، نتانیاهو را غافلگیر کرد

تنهایی یک راستگرای افراطی

دکتر ژند شکیبی
استاد دانشگاه (LSE) لندن

باراک اوباما، رییس‌جمهور آمریکا یک روز پیش از اینکه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسراییل به واشنگتن سفر کند، تغییر اساسی در دیدگاه سیاسی آمریکا نسبت به مساله قدیمی برقراری صلح عادلانه بین رژیم اسراییل و ملت فلسطین ایجاد کرد. او به طور غیرمنتظره‌ای اعلام کرد که مرزهای رژیم اسراییل که قبل از حمله‌اش به کشورهای عرب در سال ۱۹۶۷ وجود داشت، باید اساس هر نوع توافق بین رژیم اسراییل و فلسطینی‌ها و کشور جدید فلسطین باشد. یعنی اوباما ادامه شهرک‌سازی رژیم اسراییل را نپذیرفت و می‌خواهد که شهرک‌سازی رژیم اسراییل که از ۴۴ سال پیش به اجرا درآمده است، به نفع ملت فلسطین تغییر کند. همزمان زمین‌هایی که مایه اختلاف بین این دو طرف است، براساس مبادله‌ای عادلانه تقسیم شود. در واقع خط مشی جدید اوباما باعث شد تا آمریکا به نظر فلسطینی‌ها نزدیک شود. گذشته از این، اوباما اولین رییس‌جمهور آمریکاست که به طور علنی و برخلاف درخواست رژیم اسراییل اصرار می‌کند که این رژیم باید زمین‌هایی را که از فلسطینی‌ها به زور گرفته است، پس بدهد. به نظر می‌رسد که اوباما از موضع‌گیری افراطی و انعطاف‌ناپذیر نتانیاهو و طرفدارانش بیزار شده است. او در سخنرانی‌اش گفت: «دنیا از روند دایمی صلح که هیچ‌وقت به ثمر نرسیده، خسته شده است. در ضمن به نظر می‌رسد که دیگر اوباما منافع آمریکا و منافع رژیم اسراییل را یکی نمی‌داند. به عنوان مثال، وقتی اسراییل به کاخ سفید فشار آورد تا اوباما از مبارک حمایت کند، او این پیشنهاد و نظر را رد کرد و رژیم اسراییل هنوز از این بابت ناراحت است.

اما پیش از سخنرانی اوباما، نتانیاهو تلفنی با هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا صحبت کرد. بحث آنها بسیار تند بود. نتانیاهو بسیار اصرار کرد که اوباما هر اشاره‌ای به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ را از سخنرانی‌اش حذف کند اما اوباما عقب‌نشینی نکرد ولی برای آرام کردن نتانیاهو بر سه نکته تاکید کرد. اوباما گفت: «تاسیس ائتلاف بین فتح و حماس نگرانی عمیق و برحقی را برای رژیم اسراییل ایجاد کرده است و به تهدیدهای امنیتی اسراییل توجه می‌کند.» سپس اوباما به طور غیرمستقیم به نکته سوم اشاره کرد و افزود: «کشور فلسطین از نیروی مسلح محروم خواهد بود.» به طور طبیعی چنین حرف‌هایی باعث نگرانی و ناراحتی فلسطینی‌ها شده است. آیا اوباما می‌تواند حرف‌هایش را به کرسی بنشاند؟ واکنش رژیم اسراییل این بود که مرزهای قبل از ۱۹۶۷ قابل دفاع نیست و به شدت از برنامه‌های اوباما خرده گرفت. در ضمن روابط شخصی بین اوباما و نتانیاهو خیلی خوب نیست و آنان به یکدیگر اعتماد ندارند. گفته می‌شود که اوباما در پشت پرده گفته است که «فکر نمی‌کند نتانیاهو حاضر شود در جهت برقراری صلح عادلانه دست به اقداماتی بزند.» به طور کلی اوباما به این نتیجه رسیده است که افراطی‌بودن و انعطاف‌ناپذیری نتانیاهو فقط به خونریزی بیش از پیش و در نهایت به ضرر همه می‌انجامد. نظر نتانیاهو درباره اوباما، برای تحلیلگران بی‌طرف بسیار شگفت‌انگیز و غیرمنتظره است. او خیال می‌کند که اوباما تاکنون به رژیم اسراییل فشار زیادی وارد کرده، اما از زمانی که اوباما رییس‌جمهور آمریکا شده است، هیچ سیاست جدی برای بهبود وضع ملت فلسطین پیش نگرفته است. درضمن به دلیل اینکه پدر اوباما مسلمان بوده است، این امر باعث نگرانی نتانیاهو و حتی به وحشت انداختن او شده است. وانگهی بر همه معلوم است که لابی‌های صهیونیستی در آمریکا قدرتمندند و در کنگره آمریکا و رسانه‌ها نفوذ زیادی دارند. بدون شک نتانیاهو از این عوامل سوءاستفاده می‌کند تا از هر قدمی به طرف صلح عادلانه جلوگیری کند. اما اخیرا محبوبیت اوباما افزایش یافته است و به وی قدرت و نفوذ بیش از پیش و به ویژه در کنگره داده است. نکته جالب درباره شخصیت اوباما این است که به طور کلی کم حرف می‌زند اما وقتی که تصمیم می‌گیرد، محکم عمل می‌کند. آنچه از او دیده شده این است که سیاست و رفتارش پیش‌بینی‌ناپذیر است و حاضر است دل به دریا بزند. اما نتانیاهو چند مشکل دارد. اول اینکه؛ تغییرات اخیر در خاورمیانه به نفع رژیم اسراییل نیست، به‌ویژه انقلاب مصر. در واقع کشورهای آزاد و مستقل عرب عرصه را بر اسراییل تنگ خواهند کرد. به عنوان مثال مصر آزاد و مردم‌سالار دیگر به ملت خود ظلم نخواهد کرد و نفوذ بیشتری هم در صحنه روابط بین‌الملل خواهد داشت. برعکس حسنی مبارک، رییس‌جمهور مصر که دیکتاتور و دست‌نشانده آمریکا بود و نمی‌توانست جنایت‌های رژیم اسراییل را محکوم کرده و آن را به نقض حقوق بشر متهم کند. دوم اینکه؛ نتانیاهو قادر نیست با روزگار پیش برود. او و طرفدارانش که دم از مردم‌سالاری و رعایت حقوق بشر می‌زنند، هنوز نفهمیده‌اند که امکان ندارد برای همیشه با سرکوب و کشتن یک ملت، آنان را زیرسلطه و استبداد خود نگه دارند. یعنی نتانیاهو برنامه و سیاستی جز سرکوب و قتل‌عام برای آینده مردم فلسطین ندارد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، نتانیاهو هنگام دیدارش با باراک اوباما گفت که مانند رییس‌جمهور آمریکا خواستار صلح است و بعد شرایط غیرقابل مذاکره را گذاشت. زمانی که نتانیاهو پیشنهادهای اوباما را رد می‌کرد؛ به چشم‌های اوباما زل می‌زد. اوباما هم به چشمان نتانیاهو زل می‌زد. درحالی که نتانیاهو برنامه جدید اوباما را قبول نمی‌کرد، هشدار داد که نمی‌توان براساس توهمات صلح را برقرار کرد. پس از پایان جلسه دو ساعته بین این دو سیاستمدار، تاریخ آغاز مذاکرات بین رژیم اسراییل و ملت فلسطین اعلام نشد. اما اوباما به رغم انتقادات شدید از طرف نتانیاهو و همچنین انتقادات برخی از جمهوریخواهان در کنگره و لابی‌های صهیونیستی، همچنان از موضع سیاسی جدید خود عقب‌نشینی نکرد. شدت این انتقادات نشان می‌دهد که سیاست‌های اخیر اوباما باعث شده که نتانیاهو و طرفدارانش بسیار نگران شوند. اکنون رژیم اسراییل به کمک مالی و سیاسی آمریکا احتیاج دارد. اوباما می‌تواند توسط این احتیاجات، به رژیم اسراییل فشار وارد کند. سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و روسیه حمایت خود را از سیاست جدید اوباما اعلام کردند که این امر می‌تواند به منزوی شدن اسراییل دامن زند. در ضمن نتانیاهو از اوباما می‌خواهد که در جلسه سالانه سازمان ملل که در ماه سپتامبر (شهریور) برگزار می‌شود، به رژیم اسراییل کمک کند. از چند ماه پیش فلسطینی‌ها نیز تلاش دارند که جلسه سپتامبر سازمان ملل؛ رسما یک کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد. اوباما نیز در این مورد گفته است که: «تلاش‌های نمادین برای منزوی کردن اسراییل در سازمان ملل، باعث نمی‌شود که کشور مستقلی به نام فلسطین تاسیس شود.» نتانیاهو نه تنها می‌خواهد که آمریکا به این پیشنهاد فلسطینی رای منفی بدهد، بلکه تلاش می‌کند دوستان اروپایی‌اش مانند فرانسه، بریتانیا و آلمان را هم متقاعد کند که به آن رای ندهند. این کشورها از سیاست نتانیاهو خسته شده‌اند و به نظر می‌رسد که رای مثبت دهند. یعنی اگر نتانیاهو سیاست خود را تا آن موقع تغییر ندهد، رژیم اسراییل در سازمان ملل تقریبا منزوی خواهد شد. اوباما می‌تواند از ترس شدید صهیونیست‌ها از چنین شرایطی استفاده کند و به نتانیاهو فشار بیاورد. در عین حال کسی نباید به این موضوع خیلی هم خوش‌بین باشد. ایدئولوژی رژیم اسراییل به ویژه نتانیاهو و طرفدارانش به یک دشمنی فرضی؛ یعنی ملت فلسطین احتیاج دارند. اسراییل باید دیدگاه سیاسی‌اش را کاملا تغییر دهد تا بتواند با فلسطینی‌ها به یک توافق کامل دست یابد. چنین تغییری به زمان نسبتا طولانی نیاز دارد. اما همزمان و بدون شک فضای تحولات جاری در خاورمیانه و همچنین دیدگاه سیاسی باراک‌اوباما شرایط تازه‌ای را به رژیم اسراییل تحمیل می‌کند.

دریچه

اسراییل و انقلاب‌های عربی

ماجد کیالی

■ از ۶۰ سال پیش یعنی زمان تاسیس اسراییل، این رژیم به عنوان واحه‌ای از نوگرایی و دموکراسی در این منطقه از جهان به کشورهای عرب فخر می‌فروخت. برای خود ارتشی داشت بلامنازع و شهروندانی که به‌رغم منشأهای مختلفی که داشتند در یک وطن گردآمده و درهم ذوب شده بودند. تردیدی وجود ندارد که اسراییل از این جوانب به‌خصوص در مقایسه با سایر کشورهای عرب موفقیت‌هایی داشته است و به رغم محیطی نامناسب و حتی دشمنانه توانسته است به پیشرفت‌هایی دست یابد، اما آن چیزی که باید توجه داشت این است که این موفقیت‌ها تنها در قیاس با جهان عرب معنا پیدا می‌کند زیرا کشورهای دیگری در جهان هستند از جمله در آسیا و آمریکای لاتین که در مقایسه با اسراییل طی سال‌های اخیر دستاوردهای بیشتری داشته‌اند. با این حال باید اعتراف کرد دورانی که اسراییل شاهد رشد، پیشرفت و ثبات بود کشورهای عرب دچار نوعی رکود، عقب ماندگی و بی‌ثباتی شدند. اما دلیل آن چیست؟ یا عامل تعیین‌کننده‌ای که موجب این شکاف و تفاوت شده، چیست؟ نظام‌هایی که زندگی فردی و اجتماعی مردم را به انحطاط کشانده و نشاط افراد و آزادی‌های‌شان را سلب می‌کند. رژیم‌هایی که مانع رشد توانمندی‌های جامعه برای تولید و نوآوری می‌شود و زندگی و آینده آنها را هم مانند امکانات مادی و ثروت‌های‌شان به هدر می‌دهد. بدیهی است که همه این اوضاع نابسامان که از یک سو جوامع را به حاشیه رانده و از سوی دیگر دولت و سازمان‌های امنیتی را به صورت غولی درآورده و در مجموع باعث مرگ فضای عمومی شده است دقیقا همان وضعیتی است که موجب می‌شود تا اسراییل بر کشورهای عرب برتری پیدا کند. طبعا در سالگرد شصت و سومین سال تاسیس اسراییل این حرف‌ها به معنای دعوت به گوشه‌نشینی و گریستن بر گذشته‌ها نیست، بلکه دعوتی به بازگشت به خود و احیای یک روح تازه برای همراهی با نسیمی است که انقلاب‌های عربی به راه انداخته و تقویت حرکتی است که اینک از اعماق جوامع عربی می‌جوشد. اکنون دیگر تسلیم شدن در برابر سیاست‌های اسراییل قابل قبول نیست. مردم قیام کرده‌اند و سرنوشت خود را می‌خواهند به دست گیرند. هر سال به مناسبت سالگرد روز تاسیس اسراییل (روز نکبت) این اسراییل بود که با پیشرفت‌ها و برتری‌هایش بر جهان عرب فخر می‌فروخت اما امسال به نظر می‌رسد در این باورها تردیدهایی به وجود آمده است. اسراییل امروزه واقعا احساس می‌کند جهان عرب در حال تولد جدیدی است و دیگر اوضاع مانند گذشته نخواهد بود.

منبع: الحیات